

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشتان

بهرام رحمانی
۰۸ مارچ ۲۰۱۴

زنان خانه دار و سرپرست خانوار شهروندان بی حقوق و فراموش شده اند! (به مناسبت هشت مارچ ۲۰۱۴)

زنان خانه دار در همه کشورهای جهان، جزو محروم ترین و زحمت کش ترین و فداکارترین اقشار جامعه هستند. آن ها، نه کارگر به حساب می آیند و نه به عنوان بیکار، بیمه بیکاری به آن ها تعلق می گیرد. زنان خانه دار و سرپرست خانوار سخت ترین و کسالت آورترین کارها را بدون اجر و مزد و بدون ساعت کار مشخص و نامحدود انجام می دهند و سودهای کلانی به جیب سیستم سرمایه داری سرازیر می کنند. بنابراین، زنان خانه دار و سرپرست خانوار شهروندان بی حقوق و فراموش شده اند!

ایران، یکی از کشورهای است که زنان به طور سیستماتیک سرکوب می شوند و از ابتدائی ترین حقوق مسلم خود مانند انتخاب رنگ و مدل لباس شان نیز محرومند. ارگان ها و عوامل حکومت اسلامی، در ریزترین زوایای زندگی خصوصی شهروندان به ویژه زنان، دخالت پلیسی می کند و آن ها را تحت فشارهای عدیده ای قرار می دهد. اشتغال زنان در ایران بسیار پائین است و با وجود این که زنان نصف جامعه نزدیک به هشتاد میلیونی شهروندان ایران را تشکیل می دهند اما اشتغال آن ها در سطح نازلی قرار دارد و به طور میانگین ۱۵ درصد است. زنان در ایران، حق آزادی سفر و انتخاب محل زندگی و انتخاب شغل دلخواه خود را ندارند و پدر و همسر و برادران نیز درباره زندگی او تصمیم می گیرند بدون این که نظر او را به حساب بیاروند.

در چنین شرایطی، اگر زنان کارگر شدیداً استثمار می گردند اما وضعیت زنان خانه دار و زنان سرپرست خانوار نسبت به زنان شاغل بسیار اسف بار و دردناک تر است.

اما با این وجود، ارگان ها و مقامات و مسئولین حکومت اسلامی و رسانه های حکومتی، همواره از «خوشبختی» زنان خانه دار ایرانی سخن می گویند!

رئیس سازمان آمار ایران با پیش بینی افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار تا سه سال آینده گفت: در حال حاضر بر اساس آخرین سرشماری انجام شده در سال ۹۰، سرپرست ۱۲ درصد خانوارهای ایرانی زن است. به گزارش مهر، ۱۸ دی ۱۳۹۲ عادل آذر صبح چهارشنبه در همایش کارآفرینی و ایجاد اشتغال زنان سرپرست خانوار در دانشگاه صنعتی شریف با بیان این مطلب افزود: در سرشماری سال ۹۰، ۲۱ میلیون و ۱۱۰ هزار و ۴۸۱ خانوار شناسائی شد که ۸۸ درصد سرپرست های آن ها مرد و ۱۲ درصد آن ها زن هستند. این در حالی است که در سرشماری های ابتدائی

تعداد زنان سرپرست خانوار ۶.۵ درصد بود اما در سال ۹۰ با رشد دو برابری مواجه شدیم. بر این اساس پیش بینی می کنیم تا سه سال آینده آمار زنان سرپرست خانوار به ۱۵ درصد برسد.

او، ادامه داد: بر اساس سرشماری های انجام شده دو میلیون و ۵۰۰ هزار زن سرپرست خانوار در کشور وجود دارد که در حال حاضر تنها ۱۸ درصد از آن ها شاغل و ۸۲ درصد از آن ها بیکار هستند. وی با بیان این که آمارهای گرفته شده از تعداد زنان سرپرست خانوار بر اساس سه گروه سنی کم تر از ۳۵ تا ۶۴ سال و بالای ۶۵ سال است، تصریح کرد: آمارها حاکی از آن است که بیش تر زنان میان سال سرپرست خانوار هستند.

آذر، اعلام کرد که سیستان و بلوچستان پرجمعیت ترین استان دارای زنان سرپرست خانوار است و خراسان جنوبی و خراسان رضوی به ترتیب در رده استان های دوم و سوم قرار دارند. کردستان با داشتن ۹.۵ درصد از زنان سرپرست خانوار، بویراحمد ۱۰ درصد و قزوین ۱۰/۲ درصد کم ترین استان ها در تعداد جمعیت زنان سرپرست خانوار است.

به گفته رئیس سازمان آمار ایران اکثریت زنان سرپرست خانوار استان سیستان و بلوچستان و هرمزگان بی سواد و یا کم سواد هستند که این خود می تواند برای تربیت فرزندان شان تبعاتی در پی داشته باشد. در این میان وضعیت زنان سرپرست خانوار در استان تهران به مراتب بهتر است.

وی، ادامه داد: در میان جمعیت زنان سرپرست خانوار ۱۱ درصد بی سواد در سنین کم تر از ۳۵ سال، ۴۴ درصد بی سواد در سنین ۳۵ تا ۶۴ دیده می شود، اما در مجموع باید گفت که ۵۵ درصد زنان سرپرست خانوار بی سواد و ۱۹ درصد تنها سواد ابتدائی را دارند. او، با بیان این که ۱۳ درصد زنان سرپرست خانوار در سن زیر ۳۵ سال در جستجوی کار هستند، تصریح کرد: به دلیل نبود شغل برای زنان سرپرست خانوار اکثریت آن ها مهاجرپذیرند.

رئیس سازمان آمار ایران، درباره دلایل سرپرست شدن زنان در خانواده توضیح داد: ۳۵ درصد از زنان سرپرست خانوار به رغم داشتن همسر سرپرست هستند. از ۶۵ درصد باقی مانده، ۲۰ درصدشان به دلیل فوت همسر که دلیل عمده اش تصادفات جاده ای است، زنان را مجبور کرده تا به عنوان سرپرست خانوار معرفی شوند. هم چنین ۲۶ درصد زنان سرپرست خانوار مطلقه هستند.

به گفته او، کم ترین درآمد زنان سرپرست خانوار مربوط به استان سیستان و بلوچستان است که در آمار بدست آمده درآمد یک زن سرپرست خانوار در سال سه میلیون و ۳۰۰ هزار تومان است که این میزان درآمد برای گرداندن یک خانواده با چندین فرزند در طول سال فاجعه است. هم چنین بالاترین درآمد زنان سرپرست خانوار در طول یک سال مربوط به استان تهران است که درآمد اعلام شده ۱۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است.

آذر، با بیان این که به طور متوسط درآمد زنان سرپرست خانوار در سال، ۹ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان است، گفت: بیش از ۵۰ درصد زنان سرپرست خانوار در دهک های یک، دو و سه قرار دارند که این آمار بسیار نگران کننده است؛ چراکه ۸۱ زن سرپرست خانوار دهک اول بی سواد بوده و جمعیت خانوادگیشان بالا و میزان درآمد پائین است. رئیس سازمان آمار ایران، تصریح کرد: هم چنین ۸ درصد زنان سرپرست خانوار معلول، ۷ درصد بیماری جسمی، ۱۴/۵ درصد بیماری روانی و ۳۰ درصد از آن ها از کار افتاده هستند. ضمن آن که ۴۶ درصد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش نهادهای حمایتی شامل کمیته امداد، بهزیستی، بنیاد شهید، شهرداری و... هستند.

آذر، در پایان با بیان این که در دهه ۷۰ توجه و حمایت بیش تری از قشر زنان سرپرست خانوار شده، اما متأسفانه در دهه ۸۰ فعالیت ها بیش تر جنبه شعاری داشته است، گفت: مرکز آمار ایران پیشنهاد می کند برای جلوگیری از افزایش زنان سرپرست خانوار سیاست گذاری های ویژه انجام شود، هم چنین به بیمه زنان سرپرست خانوار، ترویج بیمه عمر، تحت پوشش قرار دادن زنان سرپرست خانوار، برنامه ریزی برای حمایت مادی و معنوی از فرزندان آنان و کنترل تصادفات جاده ای بیشتر توجه شود. ضمن آن که ضروری است تا نهادی مستقل برای شناسایی و حمایت از این زنان

تشکیل شود تا بتوان آمار دقیقی از وضعیت زنان سرپرست خانوار به دست آورد و اقدامات فرهنگی و آموزشی بیش تری روی آن ها انجام شود.

مشکلات و معضلات زنان خانه دار و زنان سرپرست خانوار بی شمار است اما این همه مشکلات از چشم جامعه دور می ماند و به چهارچوب خانه محدود می گردد و کم تر به جامعه کشیده می شود.

البته برخی مواقع زمزمه هائی به گوش می رسد که خواهان پرداخت دستمزد به زنان خانه دار در مقابل کاری که در خانه انجام می دهند، هستند. ظاهراً نه تنها این خواست اشکالی ندارد، بلکه موقعیت اقتصادی زنان را بهبود می بخشد و آنان را در مقابل مرد و یا مردان خانه قوی تر می کند. اما اگر کمی این گرایش را خراش بدهیم می بینیم که این خواست بدون این که بخواهد و یا نخواهد زن را در چارچوب خانه محبوس و ایزوله می کند و کار خسته کننده و کسالت آور خانگی را ابدی می سازد.

به باور من، زنان خانه دار برای این که از چهارچوب خانه رها شوند و در جامعه حضور داشته باشند بهتر است از بیمه بیکاری برخوردار گردند. به عبارت دیگر، کسی که جویای کار است و هر موقع کاری پیدا شود سر کار می رود اما تا آن موقع برای گذران زندگی بیمه بیکاری می گیرد. در حالی که اگر به زنان خانه دار دستمزد پرداخت شود آن ها از جامعه ایزوله شده و در چارچوب خانه می مانند.

در چنین شرایطی، این سؤال مطرح است که چه باید کرد تا زنان خانه دار وارد عرصه های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جامعه شوند و نقش خود را در تحولات جامعه ایفا کنند و نظاره گر و فراموش شده نباشند؟!

متأسفانه بسیاری از زنان خانه دار، به دلیل این که در جامعه حضور فعالی ندارند آگاهی اجتماعی و سیاسی شان پائین است. این هم نه تقصیر زن خانه دار، بلکه تقصیر جامعه است که نتوانسته امکانات تحصیل و فعالیت های فرهنگی و سیاسی و اجتماعی برای او فراهم سازد. بنابراین، شرط نخست رهائی زنان خانه دار از زندانی به نام «خانه»، بیرون آمدن آن ها از خانه و حضور در جمع های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و در یک کلام بالا بردن سطح آگاهی و دانش اجتماعی شان است. بنابراین، یک شرط مهم و اساسی پاره کردن زنجیر اسارت زنان خانه دار، و یا رهائی از هرگونه تبعیض، ستم و سرکوب، بالا بردن سطح آگاهی و دانش اجتماعی آنان و حضور فعال شان در تحولات جامعه است.

برای این که زنان خانه دار به آن جایگاه انسانی و اجتماعی و آزادی خود برسند به همکاری و حمایت فعالین فرهنگی، سیاسی و اجتماعی که در راستای برابری انسان ها بدون توجه به ملیت و جنسیت و باورهای انسان ها مبارزه می کنند نیاز دارند. زنان آگاه و مبارز جنبش کارگری می توانند برای بیرون کشیدن زنان خانه دار از کنج خانه ها موثر واقع گردند.

علاوه بر این که زن خانه دار ایزوله می گردند و نمی توانند در تحولات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی شرکت کنند به انواع و اقسام بیماری های جسمی و روانی نیز دچار می گردند. کار مداوم خانگی، زیست و زندگی و بهداشت و سلامتی زنان را در معرض انواع خطرات بیماری ها مانند ناراحتی های روحی و روانی قرار می دهد.

زنان خانه دار در مقایسه با زنان شاغل، بیش تر در معرض انواع خشونت های خانگی قرار می گیرند. اما بر اساس تحقیقات صورت گرفته و آمارهای اعلام شده از سوی سازمان های مربوطه به خصوص سازمان بهزیستی، زنان خانه دار بیش تر از زنان شاغل در معرض انواعی از خشونت های روحی، روانی و فیزیکی قرار می گیرند. به عقیده کارشناسان و محققین، زنان شاغل در تمام ابعاد کیفیت زندگی به جز عملکرد جسمانی، وضعیت بهتری از زنان خانه دار دارند.

زنان شاغل، به دلیل دور بودن از فضای خانه و مشارکت در انواع فعالیت های اجتماعی در مقایسه با زنان خانه دار، در سلامت روان و نشاط بیش تری برخوردارند.

برای مثال، افسردگی در بین زنان خانه دار بیش تر از زنان شاغل است. بیماری ها و اختلالات روانی اگرچه یکی از بیماری های شایع در بین همه افراد و در همه جوامع است، اما سهم زنان از این بیماری در جامعه ما دو برابر مردان است.

سرطان پستان، یکی از بیماری های شایع در ایران است اما نه خانواده و نه جامعه و حکومت، اهمیتی به این بیماری کشنده و در عین حال قابل معالجه زنان نمی دهند. و زنان مبتلا به این بیماری هولناک را به حال خود رها می کنند تا به طور مداوم درد بکشند، ذره ذره آب شوند تا سرانجام جان خود را از دست بدهند.

دکتر حبیب الله محمودزاده، یک فوق تخصص جراحی پستان، در گفتگو با خبرنگار «شفقتنا زندگی»؛ با تأکید بر این که روند ابتلا به سرطان پستان در کشور نسبت به گذشته رو به افزایش است، گفت: در واقع سبک زندگی نادرست، استرس های بالا، عادات غذائی نامناسب، وضعیت محیطی، دور شدن از زندگی های طبیعی و صنعتی شدن، آلودگی هوا و برخی ریزفاکتورهای ناشناخته از جمله مهم ترین دلایل افزایش آمار مبتلایان به سرطان پستان در ایران است.

وی در ادامه، تصریح کرد: البته برخی عوامل نظیر افزایش فرهنگ و آگاهی های عمومی مردم در خصوص سرطان پستان، مراجعه زودرس و اجرای طرح غربالگری این بیماری در برخی مناطق کشور که منجر به مرجعه و شناسائی این بیماری در مراحل اولیه بیماری، از دیگر دلایل افزایش آمار مبتلایان به این بیماری باشد و عاملی که در گذشته کمتر مورد توجه جامعه بود.

دکتر محمود زاده، با بیان این که سالیانه ۷۰ هزار نفر در ایران به سرطان مبتلا می شوند خاطر نشان کرد: سالیانه حدود ۷۰ هزار نفر در ایران به غیر از سرطان پوست به یکی از انواع سرطان مبتلا می شوند که از این بین هفت هزار نفر از این میزان بیماران سرطان پستان هستند، در واقع در کشورهای غربی از هر ۸ زن یک نفر به سرطان پستان مبتلا می شوند که متأسفانه به دلایل ذکر شده این آمار در ایران بیش تر از کشورهای غربی و توسعه یافته است.

این فوق تخصص جراحی پستان، ادامه داد: البته تاکنون تفکیک و پژوهشی در بین مبتلایان به این بیماری در بین زنان شاغل شهرهای مختلف در کشور صورت نگرفته است به طوری که بر اساس بررسی های صورت گرفته در سطح شهر تهران، زنان شاغل پایتخت بیش تر از زنان خانه دار به این بیماری دچار می شوند.

وی هم چنین با تأکید بر این که بازسازی پستان در تمامی نقاط کشور امکان پذیر نیست تصریح کرد: در حال حاضر کار بازسازی پستان توسط جراحان سرطان و پلاستیک به صورت مشترک انجام می شود و جراحان ما به دلیل آموزش های ناکافی در دوران تحصیل به تنهایی قادر به انجام آن نیستند.

این استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران، در پایان با اشاره به این که بیماران سرطان پستان هیچ حمایتی از سوی خانواده و اجتماع دریافت نمی کنند، خاطر نشان کرد: متأسفانه یک تصور غلطی که در بین مردم جامعه ما وجود دارد این است که فکر می کنند فرد سرطانی بعد از مدت کوتاهی می میرد این در حالی است بسیاری از این بیماران سال های طولانی یعنی ۲۰ سال بعد از عمل هم زندگی می کنند بنابراین لازم است روش های پیشگیری از سرطان پستان در کشور به طور جدی پیگیری شود و بیماران نیز از روش های حمایت های روحی و روانی خانواده، اجتماع، محیط کار و همسران خود برخوردار باشند.

هم چنین رئیس مرکز تحقیقات روماتولوژی، در گفتگو با «شفقتنا زندگی»، با بیان این که درد های روماتولوژی نظیر زانو درد و کمر درد در بین زنان خانه دار بیش تر از زنان شاغل رواج دارد، گفت: در واقع برخلاف تصور عموم، کار زنان در منزل جزو مشاغل سخت و زیان آور به شمار می رود و این افراد به دلیل ایستادن های طولانی مدت در محیط های آشپزخانه برای تهیه غذا و شستن ظروف و هم چنین انجام سایر فعالیت ها در نظافت منزل باعث شده آن ها بیش تر از زنان شاغل به کمر درد و زانو درد مبتلا شوند.

دکتر احمد رضا جمشیدیان فوق تخصص بیماری های روماتولوژی، در این گفتگو، کمردرد و آرتروز را مهم ترین مشکلات رایج در بین زنان بر شمرد و افزود: در واقع دردهای ناشی از آرتروز و کمردرد از مشکلات بسیار رایج در بین زنان ایرانی است که متأسفانه بسیاری از مراجعان به کلینیک های روماتولوژی را این افراد تشکیل می دهند و البته این مشکل هم در بین زنان شاغل و هم در بین زنان خانه دار دیده می شود.

وی، در ادامه با تأکید بر این که زنان خانه دار بیش تر از زنان شاغل از مشکل کمردرد رنج می برند، تصریح کرد: خانم های خانه دار به دلیل نوع و سختی کاری که در محیط منزل دارند بیش تر دچار کمردرد می شوند و در واقع برخلاف تصور عموم کار زنان در منزل جزو مشاغل سخت و زیان آور به شمار می رود و این افراد به دلیل ایستادن های طولانی مدت در محیط های آشپزخانه برای تهیه غذا و شستن ظروف و هم چنین انجام سایر فعالیت ها در نظافت منزل باعث شده آن ها بیش تر از زنان شاغل به کمردرد مبتلا شوند.

رئیس مرکز تحقیقات روماتولوژی دانشگاه علوم پزشکی تهران، با تأکید بر این که بیش از ۲۵ درصد از افراد جامعه به کمردرد مبتلا هستند اظهار کرد: بر اساس مطالعات صورت گرفته در این مرکز تحقیقات، مشخص شد بیش از ۲۵ درصد افراد جامعه به کمردرد مبتلا هستند که ۵۰ درصد این افراد را زنان خانه دار تشکیل می دهند.

به گفته دکتر جمشیدیان، البته زنان شاغل نیز به دلیل غیر استاندارد بودن محیط کار، نظیر شکل صندلی ها، نشستن های طولانی مدت روی صندلی، میزهای تحریر، بالا رفتن بیش از حد از پله ها و عدم تحرک به کمردرد مبتلا می شوند اما میزان آن در مقایسه با زنان خانه دار کمتر است و لازم است افراد شاغل از نشستن های طولانی مدت روی صندلی پرهیز کنند و سعی کنند هر از چند گاهی با حرکات کششی و حتی ورزش انعطاف پذیری بیشتری داشته باشند.

این استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران، با اشاره بر این که ۴۰ درصد تهرانی های از دردهای استخوانی و مفصلی رنج می برند اظهار کرد: این مرکز با در نظر گرفتن برنامه ای جامع نگر درصدد تشخیص و کنترل بیماری رماتیسم در سطح شهر تهران برآمد که با فرستادن حدود ۱۰۰۰۰ نفر از متخصصان به خانه های مردم مختلف و معاینه آن ها مشخص شد که ۴۰ درصد از این افراد از دردهای استخوانی و مفصل شکایت دارند و یکی از شایع ترین این بیماری ها که مردم از آن رنج می برند آرتروز زانو است.

این استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران، یادآور شد: در واقع زنان خانه دار یا به دلیل چاقی ناشی از عدم تحرک و نشستن طولانی مدت و یا به دلیل انجام کارهای غیر استاندارد بیش تر دچار سائیدگی غضروف مفاصل می شوند و البته زنان شاغل نیز گاهی مواقع به دلیل خستگی های طولانی مدت، و انجام کار در منزل علاوه بر کار بیرون به این بیماری مبتلا می شوند و به همین دلیل زانو درد جز شایع ترین علت مراجعات به کلینیک های روماتولوژی در ایران به شمار می رود.

همین نمونه ها، نشان می دهد که زنان خانه دار، در اثر فشار کار خانه، به سرعت فرسوده شده و به انواع و اقسام بیماری های جسمی دچار می گردند. آن ها هم چنین به دلیل این که اغلب در چهارچوب خانه محبوس هستند به بیماری های روانی نیز مبتلا می شوند.

در واقع کار مداوم و تکراری و کسالت آور در کنج خانه، بی اعتنائی از سوی اطرافیان، عدم اراده در تصمیم گیری ها، احساس ضعف، استرس های نگهداری کودکان و برآورده کردن نیازهای آن ها، نداشتن تفریحات سالم، نبود تضمین مالی، برآورده نشدن انتظارات از زندگی مشترک، تحمل فشارهای دایمی مردان خانه مانند برادر، دایی، عمو، پدر، شوهر و فامیل های شوهر، در دسترس نبودن فرصت های شغلی یا تحصیلی و غیره زنان خانه دار را بیش تر در معرض انواع بیماری های روحی و روانی قرار می دهد.

عموماً به دلیل فرهنگ مردسالاری و تفکرات مذهبی و حقوقی که به طور مطلق جامعه و حکومت بر مردان جامعه داده است همگی دست به دست هم داده اند تفکری را به وجود آورده اند که اغلب همسران، کار در محیط خانه را وظیفه زن می دانند. از این رو، حتی زنان شاغل نیز مجبور هستند علاوه بر کار در بیرون از منزل و تحمل انواع فشارها و استرس هائی ناشی از مشاغل خارج از منزل، فشارهای ناشی از کار در منزل را نیز تحمل کنند. چنین شرایطی، فشارهای روانی و جسمی زیادی را هم برای زنان شاغل و هم خانه دار وارد می کند که در بسیاری از مواقع زندگی خصوصی آن ها را نیز تحت تأثیر قرار داده و در نهایت منجر به درگیری و تشنج، طلاق، خودکشی، اعتیاد، همسرکشی، فرار از خانه و غیره در بین خانواده ها می شود.

روانشناسان اجتماعی، بر این عقیده اند که فعالیت بیش از حد در خانه و استرس رسیدگی به امور منزل و فرزندان، زنان خانه دار را تحت فشار شدید قرار می دهد از این رو، بیرون آمدن آن ها از چهاردیواری خانه، می تواند به تامین سلامت و بهداشت روانی زنان خانه دار کمک کند.

در واقع تضمین سلامت روحی و روانی زنان خانه دار، درگروی داشتن فضائی سالم و شاداب و متنوع است. در این زمینه باید به طور مداوم و در جهت استفاده زنان خانه دار از امکانات موجود فرهنگ سازی کرد، و با توجه به این که در حاکمیت جمهوری اسلامی و قوانین و تفکرات مذهبی و مردسالار، نقش زنان در فعالیت های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی محدودتر است باید فعالین جنبش های اجتماعی برای طلب مانند جنبش کارگری و جنبش زنان و جنبش دانشجویی و فعالین عرصه های فرهنگی، با همه محدودیت ها و سختی ها بیش از پیش موظفند از هر روزنه ای و فرصتی استفاده کنند و زنان خانه دار را به حرکت های اجتماعی بکشانند؛ به آن ها آگاهی بدهند که محکوم نیستند تمام عمرشان را در چهاردیواری و در کنج خانه ها بگذارند. آن ها انسانند و مانند همه انسان ها، حق دارند که در همه حرکت های اجتماعی، فرهنگ و سیاسی حضور یابند.

به این ترتیب، در حال حاضر دست کم کاری که می توان برای خانم های خانه دار انجام داد افزایش آگاهی خانم های خانه دار هم در مورد حقوق انسانی و اجتماعی شان و هم عوارض آن کار و فعالیتی که در خانه انجام می دهد، ممکن است چه آسیب های جسمی را برای وی ایجاد کند.

نویسنده معتقد است که بی تردید این آموزش ها باید از طریق تجمعات اجتماعی برنامه ریزی شده در محل، رسانه های اجتماعی، خانه های بهداشت، خانه های محله و مکان هائی که می توانند با خانم های خانه دار ارتباط رودر رو داشته باشند به آن ها ارائه شود تا زنان با داشتن اطلاعات کافی، بتوانند کار خود در خانه را در یک وضعیت سالم تر و مطمئن تری انجام دهند. البته کاری که باید کرد این است که در این گردهمایی ها زنان خانه دار را به حقوق شان در جامعه آشنا کرد.

یکی از این مطالبات کنونی جامعه ایران، باید بتواند نگاه به زن خانه دار را در جامعه را آن چنان تغییر دهد که آن ها به طور رسمی و قانونی، به عنوان نیروی کار ثبت شوند تا بتواند از مزایای قانون کار موجود نظیر مزایای بیمه بیکاری و بیمه بازنشستگی و از کار افتادگی استفاده کنند. بنابراین، لازم است فعالین جنبش زنان، جنبش کارگر و جنبش دانشجویی و به طور کلی بخش آگاه، برابری طلبان و عدالت جویان، در این زمینه به احقاق حقوق زنان خانه دار بپردازند و آنان را از کنج کسالت آور خانه بیرون بکشند.

گرچه شرایط موجود جامعه و در حاکمیت جمهوری اسلامی مافوق جامعه و آزادی ستیز، زن ستیز، کودک آزار، سرکوبگر و آدم کش، به طور منسجم و همه جانبه نمی توان راهکار و برنامه ای برای بهبود وضعیت زنان به خصوص زنان کارگر و خانه دار در کشور، ارائه داد اما باید تلاش کرد توقع زنان از خود و جامعه را بالا برد. اعتماد به نفسی آنان را تقویت کرد و به آسیب های اجتماعی و شغلی و کار خانگی آن ها پرداخت.

نهایتاً مهم ترین مشکلاتی که زنان خانه دار و سرپرست خانوار با آن دست به گریبانند مشکل اقتصادی و هم آپارتاید جنسی است. این شرایط بیش تر زنان را به نهادهای خیریه وابسته کرده و حرمت انسانی آن ها را می شکنند. زنان سرپرست خانوار در جامعه ما، در معرض فشارهای اقتصادی مربوط به تامین مسکن، مایحتاج روزانه و نیازهای فرزندان خود، همواره در معرض سوء استفاده مسوولین نهادهای خیریه قرار دارند. بنابراین، حکومت اسلامی را باید وادار کرد به همه زنان خانه دار و زنان سرپرست خانوار بیمه بیکاری مکفی بپردازد و آنان را به در نهادهای خیریه نفرستند.

در پایان باید تأکید کرد که بیش تر مطالعات علمی نشان می دهد که زنان شاغل به خاطر جایگاه اجتماعی و درآمد مالی و استقلال، اعتماد به نفس بیش تری دارند و از نظر سلامت روانی و سطح آگاهی از زنان خانه دار بالاترند. حتماً آن ها، زندگی شاداب تر و کم دغدغه ای دارند و فرزندان بهتر و مستقل تری هم تربیت می کنند.

پنج شنبه پانزدهم اسفند [حوت] ۱۳۹۲ - ششم مارچ ۲۰۱۴